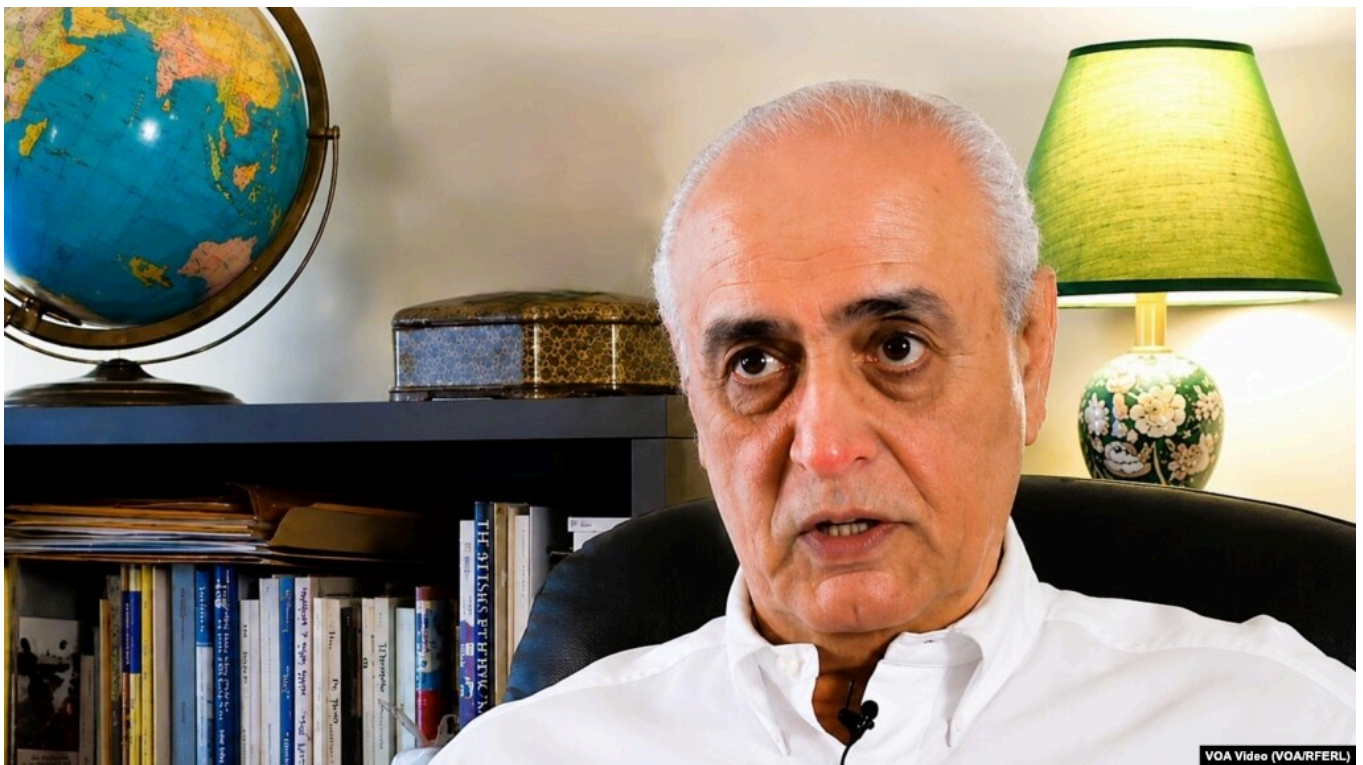


فراتر از خبر

## حبیب روشنزاده: بهترین‌های اروپا قبل از انقلاب داوطلب بازی با ما بودند

بنیامین صدر

۳ دقیقه پیش



حبیب روشنزاده، گزارشگر و تحلیل‌گر ورزشی

قریب به نیم‌قرن از آن روزهای پرشور جام جهانی فوتبال ۱۹۷۸ آرژانتین گذشته است؛ روزهایی که فوتبال ایران برای نخستین بار طعم حضور در بزرگ‌ترین آوردگاه جهان فوتبال را چشید.

در میان معدود خبرنگاران و گزارشگرانی که از ایران راهی آن رویداد تاریخی شدند، حبیب روشنزاده نیز حضور داشت؛ صدایی آشنا برای نسل‌های فوتبال‌دوست ایران. او بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، خاک ایران را ترک کرد و به آمریکا رفت. اکنون و به بهانه جام جهانی، در گفت‌وگو با حبیب روشنزاده از آمریکا به گذشته سفر می‌کنیم؛ از روزهای حضور در آرژانتین، شور نخستین صعود به جام جهانی و سرنوشت نسلی که فوتبال و تاریخ را همزمان زیست و البته درخشید.

SHARE ←

EMBED </>

حبیب روشن‌زاده: قبل از ...

از رادیو فردا



0:00



11:50



↘ لینک مستقیم

↗ بازکردن در پنجره جدید

**آقای روشن‌زاده نخستین حضور ایران در جام جهانی آسان نبود، چون از آسیا و اقیانوسیه تنها یک تیم به جام جهانی می‌رفت؛ چه شد که ایران توانست به جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین صعود کند؟**

**حبیب روشن‌زاده:** ایران در آن زمان که به جام جهانی ۱۹۷۸ راه پیدا کرد سه بار قهرمان آسیا شده بود. یعنی ۱۲ سال بود که قهرمان آسیا بود. تیم ملی در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۸ که شرکت کرد در مجموع ۱۷ تیم از آسیا و اقیانوسیه شرکت کردند و به پنج گروه تقسیم شدند. در نهایت یک تیم از هر گروه انتخاب می‌شد و ایران در گروه خودش به‌عنوان سرگروه انتخاب شد، بالا آمد و پیوست به سرگروه‌های دیگر. از این پنج تیم یک تیم می‌رفت به مرحله نهایی جام جهانی. این تیم‌ها باید مسابقه رفت و برگشت برگزار می‌کردند؛ ایران بود، استرالیا بود، کره جنوبی بود، هنگ‌کنگ بود و تیم ملی فوتبال کویت هم بود. آن زمان غیر از ایران، روی تیم ملی کویت خیلی حساب می‌کردند. در هر حال ایران پس از هشت مسابقه که برگزار کرد سرگروه شد و به عنوان تنها نماینده قاره آسیا و اقیانوسیه به جمع ۱۵ تیم دیگر دنیا پیوست که انتخاب شده بودند برای مرحله نهایی جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین.

**مهم‌ترین خصوصیت حشمت مهاجرانی چه بود که توانست آن نسل طلایی و جوان را آماده و راهی جام جهانی کند؟**

آن تیمی که از ایران انتخاب شد و رفت به جام جهانی، محصول رقابت‌های جام «ولیعهد» بود که به‌طور مشخص با حضور جوان‌های زیر ۲۱ سال سراسر کشور هر سال برگزار می‌شد. از درون این رقابت‌ها، جوان‌های بسیاری درخشیدند و کمی بعد به تیم ملی پیوستند، جوان‌هایی مثل حسن روشن، ایرج دانایی‌فرد، محمد صادقی، ابراهیم قاسم‌پور و خیلی‌های دیگر که همه این نام‌ها در تیم ملی حشمت مهاجرانی جای ثابتی پیدا کردند.

در هر حال، ایران در جام جهانی ۱۹۷۸ با تیم‌های هلند، اسکاتلند و پرو بازی کرد. مقابل اسکاتلند، با گلی که ایرج دانایی‌فرد به‌ثمر رساند یک بر یک مساوی کرد و از هلند با سه گل شکست خورد. ما یک پیروزی می‌خواستیم که به دور بعدی جام جهانی صعود کنیم اما از بد حادثه، حریفان پرو بود که یک سال پیش از آن قهرمان کوبا آمریکا شده بود. در نهایت چهار بر یک از پرو شکست خوردیم و ایران حذف شد. این البته واقعیت فوتبال آسیا در آن زمان بود، فوتبال آسیا در دنیا در سطح بالایی قرار نداشت، هنوز هم در برابر تیم‌های سطح یک اروپا یا آمریکای لاتین اغلب تیم‌های آسیایی دچار ضعف هستند.

**آن زمان که شما از طرف رادیو و تلویزیون ملی ایران همراه با تیم ملی به جام جهانی رفتید، در آن جا چه گذشت؟**

من به جام جهانی ۱۹۷۸ رفتم. در برخی رقابت‌های مقدماتی هم حضور داشتم، مثل بازی با عربستان، بازی با استرالیا و بازی با کویت هم رفته بودم. یادم هست که در کویت چقدر ایرانی‌ها نگران بودند که مبادا ایران از کویت شکست بخورد، چون کویت یک مربی خیلی قدرتمند داشت به نام ماریو زاگالو، که کمی قبل هم مربی تیم ملی برزیل بود و همبازی پله در آن تیم افسانه‌ای برزیل. در هر حال تیم ملی در جام جهانی بعد از سه بازی و ناکامی در صعود، به ایران برگشت اما من تا بازی فینال در جام جهانی حضور داشتم.

وقتی که همراه با تیم به بازی‌های جام جهانی ۱۹۷۸ رفتید، جو و فضای تیم ملی چگونه بود؟ آیا انتخاب همه نفرات بر اساس شایستگی بود؟ چون ظاهراً برخی بازیکن‌ها مثل منصور رشیدی، دروازه‌بان وقت تیم تاج، گلایه داشتند که چرا از سوی سرمربی در ترکیب نهایی برای اعزام قرار نگرفتند.

ببینید! حشمت مهاجرانی با این جوان‌ها زندگی می‌کرد، همه آن‌ها و روحیات‌شان را می‌شناخت، خصوصیات بازی آن‌ها را خوب می‌دانست و بر همین اساس آن‌ها را انتخاب کرد. آقای مهاجرانی اهل این کارها نبود که خصومتی با بازیکن داشته باشد. بازیکن‌ها بر اساس شایستگی انتخاب شدند. حتی درباره پرویز قلیچ‌خانی که انتخاب نشد، حشمت اعلام کرد که او باید به ایران بیاید و در اردوی تیم شرکت کند، و زیر نظر باشد تا انتخاب شود، اما قلیچ‌خانی آن زمان در آمریکا بازی می‌کرد، در تیم باشگاهی سن‌خوزه کالیفرنیا و به ایران نیامد. حتی من بعدها از حشمت مهاجرانی پرسیدم آیا کسی توصیه‌ای کرده بود که پرویز قلیچ‌خانی انتخاب نشود؟ پاسخ داد که نه، هیچ کس به من نگفت که پرویز قلیچ‌خانی را انتخاب نکنم.

درباره دروازه‌بان‌ها باید بگویم که آن زمان ناصر حجازی، دروازه‌بان شماره یک تیم ملی و باشگاه تاج تهران بود. منصور رشیدی دروازه‌بان دیگر باشگاه تاج بود، بهرام مودت دروازه‌بان سپاهان و رسول کربکندی هم دروازه‌بان ذوب‌آهن اصفهان بود که ابتدا همه به اردوی تیم ملی دعوت شدند. اما در نهایت منصور رشیدی به همراه تیم به جام جهانی آرژانتین رفت. بالاخره، ناصر حجازی مرد شماره یک تیم ملی فوتبال ایران شد. واقعاً باید بگویم که حشمت مهاجرانی روی شایستگی همه افراد را انتخاب می‌کرد و هیچ مشکل شخصی یا ضدیتی تا جایی که من می‌دانم با کسی نداشت. اما به هر حال این پرسش را باید حشمت مهاجرانی پاسخ دهد که چرا از جمع چهار دروازه‌بان انتخابی اردوی تیم ملی، منصور رشیدی در نهایت به آرژانتین رفت.

**آیا آن زمان سرود یا ترانه‌ای از کشورها از جمله ایران انتخاب می‌شد برای جام جهانی؟ اصلاً مرسوم بود؟**

نه، ما سرودی نداشتیم که جدا از سرود ملی جنبه رسمی داشته باشد برای تیم ملی و ارائه در جام جهانی. سرود ملی ایران همان «سرود شاهنشاهی» بود. البته هنرمندان و خواننده‌ها، ترانه‌هایی برای تیم ملی می‌خواندند، اما رسمی نبود که بگویند این سرود برای تیم ملی فوتبال ایران است. خواننده‌ها و هنرمندان هر کدام بر اساس ذوق و علاقه خودشان کاری تهیه و اجرا کردند، ولی سفارش رسمی فدراسیون فوتبال ایران نبود.

**در جام جهانی آرژانتین یا رقابت‌های مقدماتی، آیا اتفاقی افتاد که جالب باشد و بعد از این همه سال از زبان شما بشنویم؟**

تیم ملی بعد از این‌که بازی‌های مقدماتی خود را به پایان رساند و صعودش به جام جهانی قطعی شد، به فکر بازی‌های تدارکاتی افتاد. حشمت مهاجرانی هم تمایل بسیاری داشت که با تیم‌های بزرگ و قدرتمند بازی کند. از طرفی چند تیم اروپایی قدرتمند هم داوطلب شدند برای بازی تدارکاتی و دوستانه با تیم ملی ایران؛ از جمله تیم ملی رومانی، تیم ملی مجارستان، تیم ملی ولز، تیم ملی یوگوسلاوی و بلغارستان.

پس از آن، تیم ملی از طرف باشگاه پاری سن-ژرمن هم دعوت شد به فرانسه؛ علاوه بر تیم ملی فوتبال ایران، بلژیک و یک کشور دیگر که الان دقیق یادم نیست، ولی فکر می‌کنم اسپانیا بود حضور داشتند. خود تیم پاری سن-ژرمن و تیم ملی هلند، این‌ها آمده بودند و بازی‌ها انجام شد. بعد از آن بود که تیم ملی فرانسه هم برای رقابت با ایران در همان فرانسه اعلام آمادگی کرد و دعوت کرد به انجام یک بازی دوستانه، چون فرانسه هم به جام جهانی صعود کرده بود و تمایل داشت برای آمادگی بیشتر با تیم ما هم بازی کند.

بازی در شهر تولوز برگزار می‌شد و همه بلیت‌ها فروش رفت، در عین حال موقعیت خیلی خوبی بود برای ایران که با تیم ملی فرانسه بازی کند. وقتی به شهر تولوز رسیدم به من اطلاع دادند که آقای صادق

طباطبایی (از نزدیکان روح‌الله خمینی) از آلمان ۱۰ اتوبوس تدارک دیده که قرار است بیایند به بهانه دیدن این بازی تدارکاتی، علیه پادشاهی شعار دهند. جدا از این خبر، وقتی به استادیوم تولوز رسیدم، یکی دو روز قبل از این مسابقه، تا جای مناسب پیدا کنم برای گزارش و سنجیدن شرایط ورزشگاه، دیدم که روی زمین چمن یک شعار نوشته شده بود به فارسی که «م» آن جلوی این دروازه بود و حرف «ه» آن جلوی آن دروازه؛ شعار «مرگ بر شاه» بود که بزرگ روی زمین با گازوئیل نوشته شده بود.

تلفن زد م به تهران و گفتم یک‌چنین ماجرایست؛ چه دستور می‌دهید؟ به آقای محمود جعفریان که معاون سیاسی وقت رادیو و تلویزیون ملی ایران بود. ایشان گفت، صبر کنید من تا فردا به شما خبر می‌دهم. ساعاتی بعد یک آقای با من تماس گرفت و خودش را معرفی کرد و گفت نماینده سفارت ایران است و از ماجرا پرسید. همین چیزی که الان برای شما گفتم را برای او هم تعریف کردم و گفت ناراحت نباشید، من خودم را به تولوز می‌رسانم. خلاصه آن مرد آمد و متوجه شدم که نماینده ساواک در فرانسه است. با خودش یه رنگ‌کار آورده بود که با موتور رنگ، زمین و قسمت‌هایی که شعار بود را رنگ کردند.

به او گفتم که گروهی از مخالفان هم قرار است از آلمان بیایند و ناآرامی ایجاد کنند، که پاسخ داد سعی می‌کنیم با کمک پلیس فرانسه جلوی آن را بگیریم. درباره من هم پلیس فرانسه در شهر تولوز متعهد شد که گزارشگر در کنار زمین یه جای امن خواهد داشت که ایمن کارش را انجام دهد. همین هم شد، خلاصه، روز بازی از آلمان گروهی مخالف وارد شدند و مرتب شعار «مرگ بر شاه» سر دادند؛ به من هم حمله کردند که چرا برای ایران گزارش می‌کنم، من هم در پاسخ گفتم من وظیفه حرفه‌ای خود را انجام می‌دهم. در نهایت، برنامه مخالفان آن‌گونه که می‌خواستند عملی نشد. بازی با برتری فرانسه به پایان رسید، ولی تیم ملی ایران بازی خیلی خوبی کرد. خیلی عالی، حتی فردای آن روز نشریات معتبر، مفصل به آن پرداختند، از جمله نشریه «اکیپ».

همان موقع در تهران فریدون فرخزاد، برنامه‌ای داشت در روز جمعه با عنوان «شما و رادیو»، و به سفر تدارکاتی تیم ملی فوتبال ایران به فرانسه پرداخت. من را به عنوان مهمان از پاریس و تلفنی به برنامه آورد، و از من خواست ماجرا را بازگو کنم. او بعد از شنیدن داستان این سفر شروع کرد به انتقاد کردن از آن گروه مخالفانی که قصد اخلال و تخریب داشتند و خطاب به آن‌ها گفت: «شما مگر وطن ندارید، ایران وطن شماست» و ... خلاصه گذشت.

در پایان باید درباره خصوصیات حشمت مهاجرانی سرمربی وقت تیم ملی در جام جهانی بگویم که مدیریت او در اردوی تیم ملی بسیار خوب بود. هیچ‌وقت به یاد ندارم که در اردوی تیم ملی فوتبال ایران در دورانی که حشمت مهاجرانی سرمربی بود، حاشیه یا درگیری درستی شده باشد.

## بنیامین صدر



بنیامین صدر از سال ۱۳۸۰ فعالیت حرفه‌ای خود را در روزنامه‌های مختلف ایران آغاز کرد. او از سال ۱۳۹۲ به تحریریه رادیو فردا پیوست و در مدت فعالیت خود در رادیو فردا علاوه بر تهیه و اجرای برنامه‌های رادیویی، تهیه‌کننده و مجری برنامه تلویزیونی فرداگرام نیز بوده است.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

ورزش